

ترانه بدرود

نویسنده: دکتر فرزاد رستمی

www.ketab.ir

سرشناسه: رستمی، فرزاد، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: ترانه بدرود/ نویسنده فرزاد رستمی؛ ویراستار محمد آقاجانپور عمران.
مشخصات نشر: محمودآباد: لعل سخن، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۷۰ ص.
شابک: 978-622-953634-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
رده‌بندی کنگره: PIR۳۵۴۴
رده‌بندی دی‌بی: ۸۱۶ / ۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۰۵۶۳۳



ترانه بدرود

نویسنده:	فرزاد رستمی
ناشر:	لاله سخن
ویراستار:	دکتر محمد آقاجانپور عمران
صفحه‌آرایی:	کتیبه
نوبت چاپ:	نخستین زمستان ۱۳۹۸
شمارگان:	بیست جلد

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۱-۱۲۵-۴۱۱ / رستمی / ۰۳۵۱-۰۹۱۱-۳۲۰

دیباچه

در دهه‌های اخیر، نویسندگان و صاحب‌نظران بسیاری درباره سهراب سپهری و احمد شاملو به پژوهش دست زده‌اند و هر یک از آنان گوشه‌ای از زندگی، اشعار، افکار و هنر این دو شاعر را دست‌مایه کار خود ساخته و در شناخت، نقد و تحلیل شعر و اندیشه آن‌ها راهی را گشوده‌اند.

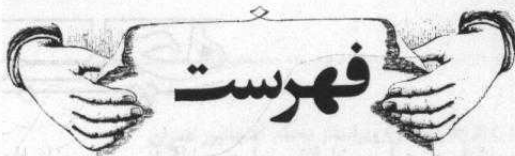
سهراب سپهری و احمد شاملو از آن دست شاعرانی هستند که چه در دوران حیات‌شان و چه پس از آن، اظهار نظرهای متضادی را علیه خویش برانگیخته‌اند، اما به هر صورت حقیقت زبانی این دو شاعر، خدمت بزرگی به پیشبرد شعر معاصر و فضاهای شعری آن نرده است.

شاملو، از جمله جنوایی است که در حوزه اندیشه و نگاه خاص خود، مسائل و موضوعاتی را در مجموعه آثارش مطرح می‌کند که خوانندگان بدون آشنایی و مطالعه پیش‌زمینه‌های فکری شاعر، نمی‌توانند به درک و مفهوم درستی از آن برسند و با عواطف و اندیشه‌های شاعر ارتباط برقرار کنند، همچنان که نگاه سهراب سپهری به عرفان، به‌ویژه عرفان شرق، به شعر او در میان معاصران شعر فارسی خاصی بخشیده است.

سعی نویسنده ادب‌دوست و علاقه‌مند به شعر معاصر بر آن بوده است تا بتواند قدمی هرچند کوتاه در شناساندن این دو شاعر در یک موضوع خاص بردارد. امید که در این راه چندان به بیراهه نرفته باشم. در پایان از جناب آقای دکتر ستاری و جناب آقای دکتر حسن‌پور که با راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ارزنده، مرا در این مسیر یاری رساندند، کمال تشکر را دارم و همچنین از دوست فرزانه‌ام جناب آقای دکتر علیرضا قائمی که با مطالعه کتاب حاضر نکات ارزشمندی را یادآور شدند، قدردانی می‌نمایم. از انتشارات نیز تقاضا دارم پیشنهادها و نظرات ارزشمندشان را به آدرس Email: Farzadr2070@yahoo.com ارسال نمایند.

دکتر فرزاد رستمی

محمودآباد، بهمن ۱۳۹۸



۸..... مقدمه

فصل اول: دو جهان بینی، دو جهان

- ۶..... ۱-۱-۱ بین مسا
- ۱۲..... ۱-۱-۱ او مانیسیم
- ۱۲..... ۱-۱-۱-۱ تعریف ارمانیسیم
- ۱۷..... ۱-۱-۲ او مانیسیم اسلامی
- ۲۰..... ۲-۱-۲ عرفان
- ۲۰..... ۱-۲-۱ تعریف عرفان
- ۲۲..... ۲-۲-۱ مرگ از دیدگاه عارفان

فصل دوم: دو شاعر، دو نگاه

- ۲۶..... ۱-۲ شاملو و او مانیسیم
- ۲۶..... ۱-۱-۲ زندگی نامه شاملو
- ۲۸..... ۲-۱-۲ آثار و فعالیت های شاملو در عرصه هنری
- ۳۲..... ۳-۱-۲ شعر و شاعری شاملو
- ۳۵..... ۴-۱-۲ زبان شاملو
- ۳۸..... ۵-۱-۲ دیدگاه شاملو درباره جبر تقدیر
- ۳۹..... عدم اعتقاد به تقدیر (شاملو)
- ۴۰..... ۶-۱-۲ انسان از دیدگاه شاملو

۴۲.....	۷-۱-۲- او مانیسیم در اشعار شاملو
۴۹.....	۲-۲- سپهری و عرفان
۴۹.....	۱-۲-۲- زندگی سپهری
۵۲.....	۲-۲-۲- آثار سپهری
۵۹.....	۳-۲-۲- شعر و شاعری سپهری
۶۴.....	۴-۲-۲- زبان شعر سپهری
۶۷.....	۵-۲-۲- فلسفه نگاه تازه سپهری
۶۹.....	۶-۲-۲- عرفان سپهری

فصل سوم: مرگ در نگاه دو شاعر

۷۶.....	۱-۳- مقدمه: مرگ در نگاه مرگ
۷۶.....	۱-۱-۳- مرگ
۷۹.....	۲-۱-۳- مرگ در ایران باستان
۸۰.....	۳-۱-۳- چهار نگاه به مرگ در ادبیات کهن فارسی
۸۴.....	۴-۱-۳- مرگ از نظر عرفا
۸۶.....	۲-۳- نگاه شاملو
۸۶.....	۱-۲-۳- مرگ و زندگی از دیدگاه شاملو
۱۱۵.....	۲-۲-۳- نمونه‌هایی از مفهوم مرگ در اشعار شاملو
۱۱۷.....	۳-۲-۳- دیدگاه متفاوت شاعر به مرگ
۱۲۱.....	۴-۲-۳- مرگ برای رهایی
۱۲۲.....	۵-۲-۳- دیدگاه شاملو به قاطعیت داشتن مرگ همانند خیام
۱۲۲.....	۶-۲-۳- اعتقاد به تناسخ جسمانی در شاملو
۱۲۳.....	۷-۲-۳- برخورد سه گانه شاملو با مرگ
۱۲۷.....	۳-۳- نگاه سپهری

مقدمه

مرگ و چستی آن، از جمله مهم‌ترین مسائلی بوده که در طول حیات بشر از گذشته‌های دور تا به امروز همیشه ذهن آدمی را به خود مشغول کرده است. به سبب همین دغدغه و دل مشغولی، یکی از موتیف‌های ادبی رایج، مسأله مرگ و نحوه برخورد با آن است که در آثار شاعران و نویسندگان به اشکال مختلف بازتاب یافته است.

در ادبیات کهن ما در کل دو نگاه برجسته و قابل تأمل به مرگ را می‌توان نشان داد. یک نگاه خیاми است که مرگ را پایان زندگی می‌داند و از این رو، فرصت حیات را مغتنم می‌شمارد:

در خواب بدم مرا خورده ای گشت / کز خواب کسی را گل شادی نشکفت
کار چه کنی که با اجل گردد جنت / می‌خور که زیر خاک می‌باید خفت

و نگاه دیگر، نگاهی عارفانه است که آنها مرگ را پایان زندگی نمی‌پندارد بلکه آن را آغاز زندگی دیگر و دائمی می‌داند:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آ / تا در آخرش بگیرم تنگ تنگ
من از او عمری ستانم جاودان / او ز من استانی ستاند رنگ رنگ

«مولوی»

در ادبیات نوین فارسی نیز تا حدودی می‌توان رد این دو نگرش را دریافت، اما به سبب دگرگونی‌های بنیادی در زندگی بشر و به تبع آن تغییر در نگرش آدمی به مقوله‌های گوناگون حیات از جمله مرگ، نگاه‌های دیگری نیز قابل شناسایی است. سپهری می‌گوید: مرگ پایان کبوتر نیست. شاعری چون شاملو را می‌توان یافت که با نگاه اومانستی به مرگ می‌نگرد:

بیهوده مرگ / به تهدید / چشم می‌دراند.